



Rereading the Definition of Family in the Iranian Legal System

Farzaneh Shafieezadeh¹,  Maryam Ossadat Mohaghegh Damad²

Received:

17 Apr 2022

Revised:

05 May 2022

Accepted:

24 May 2022

Available Online:

22 Jun 2022

Keywords:

Family,
Iranian Legal
System,
Custom,
Islamic
Teachings,
Globalization.

Abstract

Background and Aim: In the Iranian legal system, including the law and the doctrine of law, there are many definitions and in some cases duplicates of the family that are often not comprehensive due to the one-dimensional view; In addition, the definition of the family in the present age is certainly different from the past due to the changes caused by globalization, but it has not been considered in the existing definitions; This is while in establishing laws and regulations and formulating policies and plans related to the family and even other than that, a correct and comprehensive understanding of the concept of family in the Iranian legal system appropriate to the present age, has a fundamental role. Therefore, the purpose of this study is to re-read the definition of family while expressing and criticizing the existing definitions of family in laws, regulations and doctrine of law.

Materials and Methods: The method of this research is descriptive-analytical which has been done by library method and by referring to jurisprudential, legal and sociological texts in the form of interdisciplinary studies.

Ethical Considerations: Ethical considerations have been observed in writing this article.

Findings: Since the family is a customary institution, the best way to provide a definition of the family in the Iranian legal system is to refer to the current custom of Iranian society and pay simultaneous attention to the teachings of Islam as well as developments resulting from modernity and globalization. Because in the current era, Iranian society, in addition to Islamic teachings, is simultaneously influenced by modernization and globalization, and none of them can be considered alone.

Conclusion: An institutional family consisting of a man and a woman having a legitimate marriage (verbally or in writing) with each other and possibly their child (s), whose most important feature in the present age is solidarity; In other words, according to this feature, what is important in the family is the emotional relationship between its members, not only the man's presidency and leadership, but also the relationship of family members is not only based on blood relations; Members also communicate through breastfeeding, adoption, artificial insemination, and surrogacy. In addition, unlike in the past, spatial sharing is only one minimal tool for solidarity due to the expansion of communication, not all of it.

1 M.A, Department of Private Law, Faculty of Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Mail: Farzan.shafie@gmail.com

Phone: +982122094903

2 Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Shafieezadeh, F & Mohaghegh Damad, MS (2022). "Rereading the Definition of Family in the Iranian Legal System". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (2): 67-83.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۶۷-۸۳)

بازخوانی تعریف خانواده در نظام حقوقی ایران

فرزانه شفیق‌زاده^۱، مریم السادات محقق داماد^۲

۱. کارشناس ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

Email: Farzan.shafie@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواهران، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: در نظام حقوقی ایران اعم از قانون و دکترین حقوق، تعاریف متعدد و در برخی موارد تکراری از خانواده بیان شده است که غالباً به دلیل نگاه تک‌بعدی از جامعیت لازم برخوردار نمی‌باشند؛ به علاوه آنکه مسلماً تعریف خانواده در عصر حاضر به دلیل تحولات ناشی از جهانی‌شدن نسبت به گذشته متفاوت است، ولی در تعاریف موجود مورد توجه قرار نگرفته است؛ این درحالی است که در وضع قوانین و مقررات و تدوین سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به خانواده و حتی غیر از آن، دریافت درست و جامع از مفهوم خانواده در نظام حقوقی ایران متناسب با عصر حاضر، نقش بنیادین دارد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر آن است که ضمن بیان و نقد تعاریف موجود از خانواده در قوانین و مقررات و دکترین حقوق، به بازخوانی تعریف خانواده بپردازد.

مواد و روش‌ها: روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده که با شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به متون فقهی، حقوقی و جامعه‌شناسی به صورت مطالعات میان‌رشته‌ای انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش این مقاله ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

یافته‌ها: از آنجا که خانواده نهادی عرفی است، بهترین راه برای ارائه تعریفی از خانواده در نظام حقوقی ایران، مراجعه به عرف کنونی جامعه ایران و توجه توأمان به تعالیم اسلام و نیز تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی‌شدن و تطبیق آن‌ها با یکدیگر است. زیرا در عصر کنونی، جامعه ایران علاوه بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی به طور همزمان تحت تأثیر مدرنیزاسیون و جهانی‌شدن می‌باشد و نمی‌توان هیچ‌یک را به تنهایی مد نظر قرار داد. **نتیجه‌گیری:** خانواده نهادی متشکل از زن و مرد دارای زوجیت مشروع (لفظی یا کتبی) با یکدیگر و احیاناً فرزندان (آن‌هاست که در عصر کنونی مهمترین ویژگی در رابطه آن‌ها همبستگی است؛ بدین معنا که براساس این ویژگی، آنچه در خانواده اهمیت دارد، رابطه عاطفی میان اعضای آن است نه فقط ریاست مرد و رهبری او، همچنین ارتباط اعضای خانواده تنها مبتنی بر مناسبات خونی نیست؛ بلکه اعضاء از طریق رضاع، فرزندخواندگی، فرزندی ناشی از تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای نیز با هم دارای ارتباط هستند، به علاوه برخلاف گذشته، اشتراک مکانی به دلیل گسترش ارتباطات تنها یکی از ابزارهای حداقلی برای ایجاد همبستگی محسوب می‌شود نه همه آن. **کلمات کلیدی:** خانواده، نظام حقوقی ایران، عرف، آموزه‌های اسلامی، جهانی‌شدن.

مقدمه

۱- بیان موضوع: ضرورت تعریف خانواده در اهمیت بنیادین و نقش اساسی خانواده به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نهفته است؛ زیرا جامعه از مجموع افرادی تشکیل شده است که در خانواده به وجود آمده و در آن زندگی می‌کنند. بنابراین خانواده سلول و هسته اولیه اجتماع محسوب می‌شود که سلامت آن برای سلامت اجتماع ضرورت دارد. به علاوه خانواده اولین کانون محبت، تربیت نسل‌ها و انتقال ارزش‌های فرهنگی در طول تاریخ بوده و تمدن انسانی از درون خانواده به عنوان مرکز اصلی تعلیم و تربیت به وجود آمده است. خانواده در زمینه اقتصادی نیز نقش مهمی در طول تاریخ ایفا کرده است و سهم مؤثری در استوار کردن بنیه مالی کشور و رشد ثروت دارد. از این رو در تمام جوامع دولت‌ها در قانونگذاری‌ها، سیاستگذاری‌ها و تدوین برنامه‌های خود، توجه زیادی به خانواده داشته و جایگاه و نقش اساسی برای آن در نظر می‌گیرند؛ بر همین اساس تبیین مفهوم صحیح و جامع از خانواده در هر جامعه، می‌تواند راهنمایی درست در وضع و اصلاح قوانین، تدوین سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متناسب با آن باشد.

۲- مفهوم خانواده: در لغت فارسی به معنای دودمان، اهل خانه، خاندان و مجموعه خویشاوندان آمده است (دهخدا، ۱۳۳۹: ۹۴۳۸/۶؛ عمید، ۱۳۶۲: ۴۳۹؛ معین، ۱۳۵۳: ۱۳۹۴/۱). در لغت عربی نیز خانواده با عنوان «أسره» به کاربرده می‌شود که بر عشیره و خاندان فرد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۰/۴) به اعتبار این که از آن‌ها قدرت می‌گیرد (جزری، بی‌تا: ۴۸/۱؛ ابوالحسین، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۱؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۵۷۹/۲) اطلاق گردیده است.

بر اساس تخصص و نیازشان، تعریفی اصطلاحی از «خانواده» ارائه دهند؛ هرچند از آنجاکه هرکدام از آن‌ها از دیدگاه و جنبه تخصصی خود، خانواده را تعریف نموده‌اند؛ لذا هیچ کدام نیز نتوانسته‌اند تعریفی جامع از خانواده ارائه نمایند. در این میان، تعریف اصطلاحی قوانین و مقررات و دکترین حقوق از خانواده دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا غالباً در وضع قوانین و تدوین سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان، تعاریف ارائه شده توسط آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ این درحالی است که تعاریف متفاوتی از خانواده توسط دکترین حقوقی و قوانین بیان شده است؛ چراکه غالباً هر یک باتوجه به یکی از ضابطه‌های قانونی به تعریف خانواده پرداخته که این امر مانع از ارایه تعریف جامع گردیده است. باید توجه نمود که تعریف جامع از خانواده نیازمند تعمیق و نگاهی چندجانبه است؛ به ویژه آنکه در عصر حاضر، تحولات ناشی از جهانی‌شدن ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده که مسلماً تعریف آن را نیز دستخوش تحول گردانیده است. عدم عنایت به این تحول در تعریف خانواده در ضمن توجه به آموزه‌های اسلامی و عدم تطبیق قوانین، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها با آن، خانواده را در عصر حاضر با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد.

۳- روش تحقیق: پژوهش حاضر سعی دارد به روش تحلیلی-توصیفی، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به متون فقهی، حقوقی و جامعه‌شناسی به صورت مطالعات میان رشته‌ای، ضمن نقد تعاریف موجود از خانواده در نظام حقوقی ایران، به بازخوانی تعریف خانواده متناسب با جامعه ایرانی در عصر حاضر پرداخته و آن را مورد تبیین و بررسی قرار دهد.

بحث و نظر

۱- تعاریف کنونی از خانواده در نظام حقوقی ایران و نقد آن

در رابطه با مفهوم اصطلاحی خانواده باید گفت، به دلیل اهمیت بنیادین خانواده که توضیح آن در بالا داده شد، هرکدام از صاحب نظران در رشته‌های مختلف سعی نموده‌اند

در این بخش تعاریف ارائه شده از خانواده توسط قوانین و مقررات و نیز دکتین حقوق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱- تعریف قوانین و مقررات از خانواده و نقد آن

با اینکه خانواده در حقوق ایران مورد توجه و حمایت خاص قرار گرفته است و به عنوان یک نهاد در ساختار قانون مدنی به کار رفته و در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی نیز به آن اشاره شده است و نیز به رغم اهمیت و جایگاه ویژه این نهاد اجتماعی در تنظیم روابط افراد و ارتباط آن با دولت و جامعه، در قانون مدنی و دیگر قوانین تراز اول، تعریفی از آن نشده و حتی محدوده آن مشخص نگردیده است. البته برخی از حقوقدانان این امر را ناشی از آن می‌دانند که حقوق ایران برای خانواده شخصیتی مستقل قائل نیست (عاملی، ۱۳۵۰: ۱۶) و آن را به عنوان یک سازمان حقوقی به رسمیت نمی‌شناسد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱/۱). با این حال شورای عالی انقلاب فرهنگی سعی نمود، در جهت رفع خلأ تعریف خانواده در قوانین، خود تعریفی از خانواده ارائه دهد و لذا در سند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن مصوب جلسه ۵۶۴ مورخ ۱۳۸۴/۴/۷، خانواده را بدین صورت تعریف نمود: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند.»

خصوصیت نخست، دو خصوصیت دیگر هیچ ضابطه روشنی به دست نمی‌دهند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۳)؛ چراکه اولاً قید «فرهنگ مشترک» که در تعریف آمده است، مقوم خانواده نیست؛ زیرا ممکن است اعضای خانواده دارای فرهنگ مشترک نباشند، هرچند این مصوبه هیچ تعریفی نیز از فرهنگ مشترک ارائه نمی‌دهد. البته ممکن است گفته شود تعریف‌کنندگان درصدد بوده‌اند همطرازی دینی را از عناصر خانواده قلمداد کنند. این سخن در جای خود درست است، ولی واژه فرهنگ مشترک بیان‌کننده آن نیست؛ ثانیاً معلوم نیست مقصود از واحد خانواده، خانه است یا چیز دیگر؟ ضمن اینکه همانطور که از عناوین نقش‌ها به دست می‌آید (شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر) حرف «واو» به معنای جمع نیست، یعنی اینکه برای صدق عنوان خانواده لازم نیست تمام این افراد در یکجا با یکدیگر زندگی کنند؛ بنابراین بهتر بود با استفاده از کلمه «حداقل» تعداد اعضای خانواده را روشن می‌نمود. همچنین از دیگر اشکالات این تعریف، آن است که واژه فرزندان جمع است و بیش از یک نفر را دربر می‌گیرد؛ حال آنکه وجود یک فرزند نیز در خانواده کافی است. البته ممکن است گفته شود دیدگاه سیاستگذاران این بوده است که زندگی تک فرزندی را مردود اعلام کنند، اما این برداشت نیز درست نیست و نباید در تعریف خانواده بیاید (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۱). نتیجه اینکه این تعریف نیز در ابعاد مختلف دارای اشکال است.

۱-۲- تعریف دکتین حقوق از خانواده و نقد آن

حقوقدانان نیز به نوبه خود کوشیده‌اند تا خلأ موجود از تعریف خانواده در قوانین را جبران کنند. گرچه آنان نیز با اعتراف به دشواری تعریف خانواده، به تعبیر گوناگون و متفاوتی دامن زده‌اند. تفاوت تعریف‌های ارائه شده از خانواده نیز در معیار و ضابطه‌ای است که مورد توجه هر یک از آنان قرار داشته است. در زیر به بیان و نقد و بررسی این تعریف‌ها می‌پردازیم.

اما این تعریف از خانواده خالی از اشکال نیست؛ زیرا تعریف فوق، مفهوم گسترده‌ای از خانواده را به تصویر می‌کشد و معیار آن نیز قرابت اعم از نسبی، سببی و رضاعی است. در این تعریف سه خصوصیت در مفهوم خانواده لحاظ شده است: «ارتباط متقابل از طریق نسب، سبب یا رضاع»، «فرهنگ مشترک» و «زندگی در واحد خانواده». معلوم است که به جز

۱-۲-۱- تعریف خانواده براساس معیار و ضابطه ارث و نقد آن

بعضی از حقوقدانان، خانواده را باتوجه به ضابطه ارث تعریف نموده و بیان داشته‌اند: «خانواده به معنی عام عبارت است از گروهی مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند. مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی که طبقات اقرباء نسبی را بیان می‌کند ناظر به اعضای خانواده بدین معنی است. ضابطه این خانواده همان ارث بردن از یکدیگر است» (صفائی و امامی، ۱۳۸۷: ۱/۱).

اما بر این تعریف اشکالاتی وارد است؛ زیرا اولاً، برخی افراد خانواده از یکدیگر ارث نمی‌برند، ولی جزء خانواده محسوب می‌شوند؛ ازجمله: ۱. خویشاوندان رضاعی ارث نمی‌برند و با معیار وراثت عضو خانواده به شمار نمی‌آیند؛ درحالی که قرابت رضاعی در بحث خانواده به ویژه در بحث محرمانت یا موانع نکاح از اهمیت زیادی برخوردار است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۹)؛ ۲. فرزندخوانده که از نظر اسلام و حقوق ایران، وارث نیست، ولی او هم داخل در عنوان خانواده محسوب می‌شود. ثانیاً این مفهوم وسیع برای شناختن خانواده در سده‌های پیشین مناسب می‌نمود، ولی امروزه با وضعیت موجود و تلقی عرفی از خانواده سازگار نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲/۱)؛ حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷)؛ زیرا نواده‌های خاله یا عموی شخص جز از راه ارث هیچ رابطه حقوقی با او ندارند و این رابطه نیز چندان قوی نیست که بتوان همه وراثت را در یک سازمان حقوقی آورد. از نظر اجتماعی نیز این گروه به ویژه در شهرها هیچ همبستگی اجتماعی و عاطفی با هم احساس نمی‌کنند و چه بسا که در تمام دوران زندگی بیش از چندبار یکدیگر را نبینند. به همین جهت امروز مردم ما اشخاصی را که در طبقه‌های ارث آورده شده‌اند، گروه اجتماعی خاص نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲/۱ و ۳).

۱-۲-۲- تعریف خانواده براساس معیار و ضابطه نفقه و نقد آن

بعضی دیگر از حقوقدانان در تعریف خانواده به معیار نفقه نظر داشته و بیان می‌دارند: «کتاب نهم از جلد دوم قانون مدنی (مواد ۱۱۹۵ تا ۱۲۰۶) که دارای عنوان «در خانواده» است، ظاهراً این کلمه را به معنی دیگری بکار برده است. این کتاب که تنها دارای یک فصل زیر عنوان «در الزام به انفاق» و شامل ۱۲ ماده می‌باشد، به نفقه اختصاص داده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد مقصود از خانواده در عنوان این کتاب، گروه مرکب از خویشانی است که بین آن‌ها الزام به انفاق وجود دارد؛ پس خانواده بدین معنی شامل شخص و زوجه و خویشان نسبی خط مستقیم است و اقرباء خط اطراف از خانواده به این معنی خارج هستند» (صفائی و امامی، ۱۳۸۷: ۲/۱؛ انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۲/۱۳۵۶).

اما این تعریف را نیز نمی‌توان خالی از اشکال دانست؛ زیرا اولاً، این تعریف شامل افرادی نمی‌شود که جزء خانواده هستند، ولی نفقه به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. ازجمله: ۱. اقرباء خط اطراف؛ ۲. والدین و فرزندان متمول؛ چراکه براساس ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی در روابط میان اقارب نسبی، شرط استحقاق نفقه، نداری و نیاز است و بنابراین والدین و فرزندان متمول شخص حتی اگر صغیر باشند عضو خانواده وی نمی‌باشند؛ ۳. والدین و فرزندان فقیر؛ چراکه یکی دیگر از شرایط نفقه، تمکن منفق است و لذا اگر با وجود اعسار فرزند، پدر یا جد پدری قادر به انفاق نباشند و بالعکس، تعهد فعلی به نفقه از بین می‌رود و تعریف فوق در این باره آسیب می‌بیند؛ ۴. زوجه منقطعه نیز بر اساس قانون مستحق نفقه نمی‌باشد و لذا براساس تعریف فوق، جزء خانواده محسوب نمی‌شود؛ ۵. اقارب رضاعی و فرزندخوانده؛ این اشخاص نیز در هیچ فرضی استحقاق دریافت نفقه ندارند و بنابراین عضو خانواده شخص به شمار نمی‌آیند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۲).

ثانیاً، این تعریف از خانواده از نظر الزام‌های اقتصادی مناسب است؛ اما با وضعیت موجود اجتماعی سازگار نیست (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۸). ثالثاً باید در نظر داشت که کتاب نهم از جلد دوم قانون مدنی تنها دارای یک فصل با عنوان «در الزام به انفاق» است و هنگامی که صحبت از الزام به دادن نفقه بر اعضای خانواده (زوجه و اولاد) می‌شود، بحث از مصداق دوم این وظیفه یعنی دادن نفقه بر خویشان نسبی نیز مناسب می‌نماید، از این رو قانونگذار به این مهم نیز پرداخته است و این الزاماً پی‌ریزی مفهوم خاصی از خانواده نیست که شخص موظف به انفاق بر زوجه، اولاد و والدین یا اجداد یا نوادگان خویش و دارای خانواده با این دامنه باشد. بنابراین، صرف چنین وظیفه‌ای نمی‌تواند وجود مفهومی خاص از خانواده را توجیه نماید (مقدادی، ۱۳۸۵: ۲۶).

۱-۲-۳- تعریف خانواده براساس معیار و ضابطه ریاست و نقد آن

بعضی دیگر از حقوقدانان در تعریف خانواده به معیار ریاست یا مدیریت نظر داشته و خانواده را چنین تعریف نموده‌اند: «گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴/۱) یا بدین صورت بیان نموده‌اند که: «خانواده به معنی خاص یا خانواده هسته‌ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها است که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست یک شخص بر اعضای آن است و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که می‌گوید «در روابط زوجین ریاست خانواده با شوهر است» خانواده به همین معنی را در نظر داشته است» (صفایی و امامی، ۱۳۸۷: ۲/۱). بنابراین مطابق تعاریف فوق، اعضای خانواده منحصرأ کسانی هستند که تحت رهبری و ریاست مقامی هستند.

اما این تعریف از خانواده نیز جامع و مانع نیست؛ زیرا اولاً، ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست شوهر را از خصائص او

می‌داند نه معیاری برای تشکیل خانواده؛ ثانیاً، خانواده‌های بی‌سرپرست و فاقد مرد با آن که شخصی به عنوان رئیس (مرد)، مدیریت آن را به عهده ندارد، ولی باز خانواده محسوب می‌شوند، لذا شایسته نیست که با آوردن قید ریاست مرد، این قبیل خانواده‌ها را از محور بحث خارج کنیم (مقدادی، ۱۳۸۵: ۲۴)؛ ثالثاً، این تعریف بعضی از افراد خانواده را دربر نمی‌گیرد. از جمله: ۱. فرزندان بالغ عاقل: مطابق معیار ریاست اعضای خانواده منحصرأ شوهر زن و فرزندان محجور خواهند بود و فرزندان کبیری که محجور نیستند، حتی اگر در منزل پدری سکونت داشته باشند، جزء خانواده محسوب نمی‌گردند؛ ۲. والدین؛ مطابق تعریف فوق، والدین شخص حتی اگر تحت تکفل وی بوده و با وی زندگی نمایند عضو خانواده به شمار نمی‌آیند؛ زیرا تحت ریاست حقوقی وی نمی‌باشند؛ ۳. اقارب رضاعی نیز با معیار ریاست، عضو خانواده به شمار نمی‌آیند و تعریف شامل آنان نمی‌شود.

۱-۳-۳- جمع بندی نقد تعاریف کنونی از خانواده در نظام حقوقی ایران

در نهایت در یک جمع‌بندی براساس توضیحات فوق می‌توان گفت، نظام حقوقی ایران نتوانسته است خانواده را به درستی تعریف نماید. در بیان علت آن می‌توان گفت، خانواده بیش از آن که سازمان حقوقی باشد، یک نهاد اجتماعی شناخته شده و ممتاز است؛ چراکه خانواده نهادی است دیرینه‌تر از حقوق؛ قواعد حقوقی به تنظیم آن پرداخته‌اند، در حالی که از قبل به عنوان یک موضوع بیرونی شکل یافته بود. بنابراین تعیین و تعریف آن تابع عرف و نظام سیاسی جامعه و به عهده علوم ناظر به واقع مانند جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است و نه حقوق که عموماً در رابطه با امور حکمی و بایدها و نبایدها ایفای نقش می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲؛ حیدرپور، ۱۳۸۵: ۶). شاید به همین دلیل است که هیچ یک از حقوقدانان نتوانستند تعریف جامعی از خانواده ارائه بدهند؛ زیرا آنان سعی نموده‌اند

۱۳۸۵: ۱۸؛ قرشی، ۱۳۸۲: ۲) و در عرف شیعه نظر به اینکه بسیاری از عرف‌ها برخاسته از فطرت و وجدان انسان‌ها است و براساس تشخیص ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی به تدریج در میان مردم رایج شده و احکام شرعی هم برای تأمین مصالح و منافع جوامع انسانی وضع شده است، شارع با این گونه عرف‌ها مخالفت نمی‌کند؛ زیرا مخالفت شارع با چنین عرفی، نقض غرض خواهد بود. بنابراین در امور غیر عبادی، عرف یا مسلک عقلایی مورد تأیید قرار گرفته است (مغنیه، ۱۹۹۵: ۲۲۲). البته لازم به ذکر است که اعتبار عرف در فقه شیعه مطلق نیست، چراکه عرفی مورد پذیرش است که مخالف با نص (قرآن و سنت) نباشد. به عبارت دیگر باید مخالفتی از جانب شارع درباره عرف وجود نداشته باشد (ابوزهره، ۲۰۱۰: ۲۷۳). بنابراین برای تعریف خانواده، نمی‌توان هر عرفی را مد نظر قرار داد.

۲-۱- بررسی راه‌های پیش‌رو در تعریف خانواده

همانطور که گفته شد برای ارائه تعریف صحیحی از خانواده باید به عرف مراجعه نمود. عرف جامعه ایران نیز از یک طرف به طور مؤثری مبتنی بر تعالیم اسلام می‌باشد که اعم است از آموزه‌های اخلاقی و مذهبی و قواعد و مقررات فقهی و حقوقی و از طرف دیگر نیز به صورت گریز ناپذیری تحت تأثیر تحولات ناشی از صنعتی شدن، مدرنیزاسیون و جهانی‌شدن می‌باشد؛ به گونه‌ای که خانواده در عصر کنونی با خانواده سنتی حاکم در جامعه گذشته نمی‌تواند مفهوم واحدی داشته باشد. براین اساس می‌توان گفت، برای ارائه تعریفی از خانواده در نظام حقوقی ایران سه راه وجود دارد:

خانواده را تنها باتوجه به معیارها و ضابطه‌های قانونی تعریف نمایند، بدون اینکه به موجودیت اجتماعی خانواده و عرفی بودن آن توجه نمایند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که مفاد قوانین نیز در شکل‌گیری تعریف عرفی خانواده سهم به‌سزا دارند؛ چراکه عرف‌ها غالباً در نظام حقوقی و آموزش‌های مذهبی تجسم می‌یابند (کوئن، ۱۳۷۷: ۳۹)؛ لذا برای تعریف جامعی از خانواده باید مجموعه قواعد حقوقی و فقهی را باهم در نظر بگیریم و عناوینی را که موجب ارتباط اشخاص شده است، بشناسیم و باتوجه به وضعیت موجود اجتماعی و تأیید زبان عرفی به تعریفی از خانواده دست یابیم (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۹).

۲- تحلیل و بررسی تعریف منتخب از خانواده در نظام حقوقی

ایران

از آنجا که خانواده نهادی اجتماعی است و مفهوم آن در جوامع مختلف و در بستر زندگی بشر، همواره یک شکل نبوده و پایه‌پای تحول اجتماعی دگرگون شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۴)؛ لذا می‌توان گفت، خانواده نهادی عرفی است؛ از این‌رو مراجعه به عرف برای تعریف خانواده امری خردمندانه و ضروری است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳). چنانکه در اسناد بین‌المللی نیز تعریف مشخصی از خانواده ارائه نشده و به دولت‌ها صلاحیت داده شده است تا با لحاظ کردن شرایط فرهنگی جامعه خود، خانواده را تعریف نمایند. کمیته حقوق بشر در نظریه تفسیری شماره ۱۹ ضمن بند ۲ آن خاطر نشان ساخته است که مفهوم خانواده در کشورها و حتی مناطق مختلف یک کشور ممکن است از برخی جهات متفاوت باشد؛ بنابراین ارائه تعریفی استاندارد برای این مفهوم ممکن نیست (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۴ و ۵۵).

شیوه توسل به عرف در تعریف خانواده، مورد تأیید اسلام نیز می‌باشد؛ زیرا در اسلام خانواده امری عرفی و تابع معیارهای عرف است و مصطلح شرعی یا متشرعه نمی‌باشد (مقدادی،

۲-۱-۱- تخطئه کامل پدیده مدرنیته و جهانی‌شدن و در نتیجه تعریف خانواده براساس خانواده سنتی^۱ حاکم در جامعه گذشته ایران

مسلماً انتخاب چنین تعریفی برای خانواده، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا عرف جامعه ایران و بالتبع خانواده تحت تأثیر مدرنیته و جهانی‌شدن، دچار تغییر و تحولاتی شده است و لذا دیگر نمی‌توان خانواده را باتوجه به خانواده سنتی حاکم بر جامعه گذشته ایران، تعریف نمود؛ چراکه در عصر کنونی مدرنیته و جهانی‌شدن پدیده اجتناب‌ناپذیر است که ضرورتاً تغییراتی را به همراه داشته است و خانواده سنتی تاب مقاومت در برابر این تغییرات را ندارد؛ زیرا الگوی سنتی از قابلیت پذیرش عناصر سازنده و مقابله با عناصر تهدیدکننده ساختاری برخوردار نیست و توان مدیریت مشکلات در مواجهه با تغییرات بیرونی را ندارد.

۲-۱-۲- پذیرش کامل پدیده مدرنیته و در نتیجه تعریف خانواده براساس خانواده مدرن حاکم در جوامع غربی

اما این تعریف از خانواده نیز قابل پذیرش نمی‌باشد؛ زیرا عرف و بالتبع خانواده در جامعه ایران مبتنی بر فرهنگ اسلامی است که در آن تشکیل و حفظ و بقای خانواده و ویژگی‌ها و کارکردهای اساسی آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ فلذا نمی‌توان در برابر مدرنیته و آموزه‌های آن و بالتبع تأثیرات مخربی که بر نهاد خانواده می‌گذارد نیز، برخورد انفعالی داشت؛ چراکه انفعال در برابر آن به تدریج موجب از بین رفتن کارکردها و ویژگی‌های اساسی خانواده و بالتبع تغییر در معنا و مفهوم خانواده ایرانی - اسلامی (آنچنان که در جوامع غربی به وقوع پیوسته) می‌شود.

۲-۱-۳- تطبیق تعالیم اسلام در رابطه با خانواده با تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی‌شدن

آنچه باید مورد توجه باشد، این است که با برخوردی منطقی و انتخاب رویکرد عقلی در برابر جهانی‌شدن، شدت آسیب‌ها در جامعه کنترل گردد (حسنی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۲). براین اساس به نظر می‌رسد، در تعریف عرفی خانواده به جای نادیده گرفتن پدیده جهانی‌شدن که امری اجتناب‌ناپذیر است یا انفعال و پذیرش کامل آن، بهترین راهکار بازخوانی تعریف خانواده از طریق روش هرمنوتیک و تفسیر تعالیم اسلام باتوجه به تحولات صورت گرفته در اثر مدرنیته و جهانی‌شدن می‌باشد؛ زیرا تعالیم اسلام به دلیل پویایی، قابلیت انطباق با مقتضیات زمان و مکان (موسوی‌خمینی، ۱۳۶۸: ۹۸/۲۱) و تحولات صورت گرفته در عصر کنونی را دارد؛ لذا با تطبیق تعالیم اسلام با تحولات به وجود آمده، می‌توان ضمن ملحوظ داشتن تحولات، آسیب‌ها و تبعات منفی جهانی‌شدن بر خانواده و معنا و مفهوم آن را کاهش داد و در عین حال ویژگی‌ها و کارکردهای اساسی خانواده و متعاقباً مفهوم آن را آنچنان که مورد نظر شارع مقدس است، حفظ کرده و حتی تقویت نمود.

۲-۲- بررسی آموزه‌های اسلام و تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی‌شدن در تعریف خانواده

بنابر آنچه گفته شد، بهترین راه برای تعریف جامع از خانواده کنونی ایرانی ملحوظ داشتن تعالیم اسلامی و نیز تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی‌شدن به صورت توأمان است. براین اساس در زیر ابتدا تعریف خانواده در تعالیم اسلامی را بیان می‌داریم و سپس تأثیر مدرنیته و جهانی‌شدن را بر تعریف خانواده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲-۲-۱- اسلام و تعریف خانواده

تعریف اصطلاحی و شرعی خانواده به جهت تحول آن در طول تاریخ و خالی بودن قرآن کریم و سنت شریف از آن با دشواری همراه است (تیسیر و قدومی، ۱۹۹۲: ۶)؛ اما از

^۱ - برخلاف نظر برخی، خانواده سنتی در اینجا مترادف با خانواده اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا ویژگی‌های این دو نوع خانواده با یکدیگر متفاوت می‌باشد. در ادامه مقاله به توضیح بیشتر این امر پرداخته می‌شود.

برخوردار است؛ چه اینکه خویشاوندان با توجه به ارتباط خونی و عاطفی نزدیک و عمیق با خانواده هسته‌ای، می‌توانند بهترین حمایت‌ها را در اختیار آنان بگذارند و لذا خانواده هسته به طور بهتر و موفقیت‌آمیزتر می‌تواند وظایف خود را انجام دهد و با اقتدار مسیر سعادت را طی کند و برای حفظ آرامش و تأمین استقلال خود ایفای نقش نماید.

- خانواده دارای کارکردهای مختلف تولید مثل، ارضای نیازهای زناشویی، آموزش، اجتماعی‌کردن فرزندان و... می‌باشد. اما در این میان می‌توان گفت، مهم‌ترین کارکرد خانواده از منظر تعلیم اسلامی، آرامش یافتن در پرتو انس و الفت میان اعضای آن است؛ زیرا از منظر اسلام خانواده تنها در روابط فیزیکی دو جنس مخالف و تولیدمثل و امور دیگری که اشاره شد، خلاصه نمی‌گردد، بلکه آنچه مهم است، همبستگی و روابط عاطفی‌ای است که با تشکیل خانواده برای اعضای آن به ارمغان می‌آید (بهشتی، ۱۳۸۵: ۳۳-۴۲). چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم موده و رحمه» (روم/۲۱). همانطور که ملاحظه می‌شود، خداوند متعال در این آیه هدف از ازدواج و تشکیل خانواده را سکونت و آرامش قرار داده است و مودت و رحمت را اساسی‌ترین وسیله برای رسیدن به این هدف می‌داند. بر این اساس می‌توان گفت، اسلام خانواده‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد که میان اعضای آن همبستگی و روابط عاطفی وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت هدف تشکیل خانواده که همانا رسیدن به آرامش در سایه این همبستگی است، محقق نمی‌گردد.

۲-۲-۲- مدرنیته، جهانی‌شدن و تعریف خانواده

در عرف گذشته جامعه ایران، خانواده، در قالب خانواده سنتی تعریف می‌شد؛ یعنی خانواده‌ای گسترده (بهنام، ۱۳۵۲: ۱۳) که در آن بیش از دو نسل از خویشاوندان نزدیک در کنار یکدیگر و در یک خانوار زندگی می‌کردند (بستان، ۱۳۹۰: ۵۶). این

مجموع آیات متعدد و روایات متکثر (بقره/ ۲ و ۱۰۲؛ نساء/ ۱؛ اعراف/ ۱۸۹؛ النجم/ ۴۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲/۱۴)، ویژگی‌هایی برای خانواده استنباط می‌شود که براساس آن‌ها می‌توان تعریف خانواده متعالی از منظر اسلام را دریافت. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- اسلام خانواده را یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج مشروع یک زن و یک مرد می‌داند که فرزندان پدیدآمده از آن‌ها، آن را تکمیل می‌کنند (قائمی، ۱۳۸۶: ۲۰؛ طاهری، ۱۳۸۱: ۱۴؛ حیدرپور، ۱۳۸۵: ۶). بنابراین در اسلام زوجیت مشروع، سرآغاز و رکن اساسی تشکیل خانواده است،

- براساس تعلیم اسلامی (و بالتبع عرف جامعه ایران)، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدینی-فرزندی و خواهر و برادری). این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسؤولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند.

- از نظر تعلیم اسلام خانواده شامل خانواده‌های گسترده و هسته‌ای می‌شود. خانواده گسترده عبارت است از پدر و مادر و فرزندان، اجدات و جدات، برادران و خواهران و نواده‌ها اعمام و عمات و احوال و خالات و فرزندان آن‌ها؛ درحالی که خانواده هسته‌ای منحصر به زن و شوهر و فرزندان آن‌ها می‌باشد (حکمت‌نیا، میرداداشی و هدایت‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۸/۱) و به نظر می‌رسد این نوع از خانواده و تحکیم آن است که برای شارع مقدس محوریت دارد، چراکه بیشتر آیات و روایات وارده در این زمینه حول محور این مرتبه از خانواده و روابط اعضای آن می‌باشد؛ ولی در عین حال با بررسی پاره‌ای از احکام و تأسیسات شریعت اسلامی (همچون عاقله، ولایت جدپدیری، توارث خویشاوندان) استفاده می‌شود، در اسلام، ارتباط عمیق خانواده هسته‌ای با خانواده گسترده از اهمیت به‌سزایی

خانواده دارای ویژگی‌های مختص به خود بود که مهمترین آن‌ها عبارت است از: ۱. پدرسالاری به معنای تسلط مطلق و بی‌چون و چرای پدر بر زندگی دیگر اعضای خانواده (بستان، ۱۳۹۰: ۸۴)؛ ۲. تقسیم کار بر مبنای جنسیت (محب‌علی، ۱۳۷۴: ۷۵)؛ ۳. نگاه خرد و حقیر به زن (ساوجی، ۱۳۷۱: ۳۶) و فرزندان دختر؛ ۴. محوریت اصالت جمع (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۸) و ۵. دارا بودن کارکردهای مهمی همچون: تولید نسل و فرزندآوری؛ تربیت اولاد (آموزش و پرورش)؛ کارایی فرزندان پسر غالباً در شغل پدر (یا شغل هم سطح پدر)؛ تنظیم روابط جنسی و زناشویی (با تأکید بر ارضای نیازهای جنسی مردان)؛ نظارت و کنترل بر رفتار اعضای خانواده به ویژه فرزندان؛ اهمیت هویت دهی به اعضا از طریق انتساب به خانواده (عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۴۲)؛ گسترش و استحکام روابط خویشاوندی؛ کارکرد اقتصادی خانواده (سفیری، ۱۳۶۶: ۱۴) بدین معنا که خانواده یک واحد تولیدی و همچنین مصرفی است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۲۵).

اما این شکل از خانواده، به تدریج بر اثر شهرنشینی و صنعتی شدن (به‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۸۴) و نیز تغییرات تدریجی حاصل از مدرنیته در جامعه به ویژه پس از دهه ۶۰ میلادی در اوج جریان‌های فمینیستی و نظریه‌های پست‌مدرن (یوسف‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۲/۱) و در دهه‌های اخیر بر اثر پدیده جهانی شدن و گسترش و توسعه ارتباطات، از نظر کارکرد، ساختار و روابط درونی خانواده و حتی معنا و مفهومی که در این نوع روابط حاکم بوده به طور گریزناپذیری با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو بوده (لبیبی، ۱۳۹۲: ۳۲) و بالتبع تعریف سنتی خانواده را نیز دگرگون ساخته است.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که تحول خانواده و مفهوم آن در دوران جدید با صنعتی شدن اروپای غربی آغاز شد و با مدرنیته و جهانی شدن توسعه یافت؛ زیرا به دنبال گسترش ارتباطات در سطح جهان که در سایه توسعه روزافزون انواع

فناوری‌ها، از جمله فناوری‌های صنعتی، کشاورزی، هوایی، فضایی و اطلاعاتی به وقوع پیوسته، مرزهای جغرافیایی بین کشورها و ملت‌ها روز به روز کم رنگ‌تر گشته و در برخی از موارد نیز به طور کامل از میان برداشته شده است. به دنبال توسعه فناوریانه در حیطه‌های مذکور، امکان تولید و نشر افکار و فرهنگ‌ها در قالب انواع رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب به وسعت سرسام‌آور، در کل جهان فراهم شده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۱). ویژگی بارز این دوران تغییرات و تحولات گسترده در تمام شئون اجتماع و ارتقای سطح روابط فرهنگی و اجتماعی به دلیل کم‌رنگ شدن مرزهای طبیعی، جغرافیایی و سیاسی است. این پدیده و پدیده‌های هم چون آن، از جمله ارائه نظریات جدید در باب روابط سیاسی و فرهنگی بین جوامع و طرح نظریه «دهکده جهانی»، «نظریه برخورد تمدن‌ها» و «گفت و گوی تمدن‌ها»، بحث جهانی شدن را به مثابه یک روند غیرقابل بازگشت (یارمحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۴۹) و اجتناب‌ناپذیر (به‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۹۱) درآورده است. بدین ترتیب سنت‌های دیرپا به تدریج رو به زوال رفته و دیدگاه‌های جدیدی نسبت به خانواده و روابط اعضای آن به وجود آمده که متعاقباً تعریف خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. خانواده جدید که از آن با عنوان خانواده مدرن نام برده می‌شود، غالباً در تقابل با خانواده سنتی و در سایه آسیب‌های فراوان این نهاد، با تکیه بر روابط عاطفی دموکراتیک و مدنی به وجود آمده است (عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۱۴). در زیر به بیان ویژگی‌های این خانواده می‌پردازیم.

- این خانواده با پیوند زناشویی زن و مردی تشکیل شده که بر اثر علاقه با یکدیگر ازدواج کرده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی ازدواج آن دو ممکن است بدون موافقت افراد دیگر (به ویژه پدر و مادر) صورت بگیرد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۵). از این رو می‌توان گفت در دیدگاه مدرن خانواده واحدی عاطفی - عشقی است (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۴۵۵) که به موجب آن

فرزندان در جهت اهداف جامعه مبتنی بر روابط دموکراتیک (عرفان منش، ۱۳۹۲: ۵۱) در اولویت قرار گرفته است.

- در خانواده مدرن، خانواده گسترده اهمیت و رونق خود را از دست داده و به سوی شکل‌گیری خانواده هسته‌ای متحول شده است؛ به گونه‌ای که عرف امروزین از شنیدن واژه خانواده، خانواده هسته‌ای متشکل از زن و شوهر و فرزند(ان) تحت حمایت آن دو را به ذهن می‌آورد (مقدادی، ۱۳۸۵: ۲۴).

بر این اساس در جوامع امروزی الگوهای سنتی تعامل خانوادگی در حال فروپاشی است و الگوهای سالم از یک سو در حال افزایش و از سوی دیگر الگوهای ناسالم و آسیب‌زننده نیز با سرعتی بسیار بیشتر رو به گسترش‌اند (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۴). بر این اساس می‌توان گفت مدرنیته و جهانی‌شدن در وضعیت جاری هم تهدیدآمیز تلقی می‌گردد و هم چالش‌های جدیدی را پیش‌رو می‌گذارد که جنبه مثبت دارد (افضل‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۸). لذا برای تعریف خانواده، بهتر است به این امر در ابعاد مختلف نگاه کرد.

۲-۳- تطبیق تعالیم اسلام و تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی‌شدن در تعریف خانواده

از آنجاکه خانواده یک مفهوم بسیط و غیر مرکب است، بنابراین تنها راه تعریف خانواده، تعریف آن از طریق بیان ویژگی‌های آن می‌باشد که در علم منطق به آن عرضیات و به این نوع تعریف «رسم» گفته می‌شود. بر همین اساس در زیر با تطبیق ویژگی‌های خانواده از منظر اسلام و نیز مدرنیته، ابتدا ویژگی‌های خانواده و نکات جدید در رابطه با آن‌ها را بیان نموده و سپس از طریق این ویژگی‌ها به بازخوانی تعریف خانواده می‌پردازیم.

- در اسلام و بالتبع عرف جامعه ایران، خانواده لزوماً با ازدواج مشروع یک مرد و یک زن شکل می‌گیرد. بنابراین، براساس

همبستگی، عشق، جاذبه‌های شخصی و سازگاری به عنوان اساس زندگی تلقی می‌شود (معاونت پژوهش، گروه روان‌شناسی مؤسسه امام‌خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

- در خانواده‌های مدرن اعضای خانواده غیر از پدر (مرد) نیز از جایگاه حقوقی همانند پدر (مرد) برخوردارند؛ لذا زن همانند گذشته جنس دوم محسوب نمی‌شود و جایگاه اجتماعی و خانوادگی خویش را بازیافته است و فرزند پسر و دختر در یک درجه اهمیت قرار گرفتند (صبوری، ۱۳۷۵: ۸۰) بر همین اساس تصمیمات اساسی خانه نیز از طریق گفتگو، مشورت و تبادل نظر اتخاذ می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۷) که این امر ناشی از تساوی قدرت میان زوجین در این نوع از خانواده است. در واقع در خانواده مدرن برخلاف خانواده سنتی، قدرت در پدر مرکزیت ندارد، بلکه افقی و انتشار یافته است؛ به گونه‌ای که اعضا از قدرت نسبتاً مساوی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردارند (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۲: ۷۲). تحت تأثیر این تفکر، ساختار قدرت در خانواده ایرانی نیز همچون گذشته از بالا به پایین و به صورت پدرسالارانه نمی‌باشد، بلکه به تدریج به سمت دموکراتیک شدن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که پدر همچون گذشته حاکم بلامنازع نیست. با این وجود در جامعه امروز ایران همچنان باور به اقتدار پدر وجود دارد (لیبی، ۱۳۹۲: ۳۵) و لذا می‌توان گفت در حال حاضر، ساختار قدرت در شیب ملایمی از بالا به پایین قرار گرفته و در مجموع تا حدودی دموکراتیک شده است (صبوری، ۱۳۷۵: ۸۰).

- در خانواده مدرن فردیت اعضای خانواده رو به فزونی است (صادقی فسائی، ۱۳۸۶: ۲۲۸) و کارکردهای خانواده نیز در حال تغییر و تحول است (اعزاز، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، در کنار کارکرد تولید مثل، تأمین عاطفی همسر و فرزند و تنظیم رفتار جنسی و اجتماعی کردن

حاضر که اصل بر کتابت در انشاء عقود است، می‌توان تحقق انشاء عقد نکاح از طریق کتابت را علاوه بر لفظ، صحیح دانست. لذا به نظر می‌رسد باید مشروعیت به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی خانواده در اسلام باتوجه به تحولات به وجود آمده بازخوانی شود (جلالی، ۱۳۹۴).

- همبستگی و صفا و صمیمیت میان اعضای خانواده از مهمترین ویژگی‌های خانواده ایده‌آل از منظر اسلام است که در عصر کنونی نیز جایگاه مهمی در روابط میان اعضای خانواده یافته است به گونه‌ای که می‌توان گفت امروزه براساس این ویژگی در روابط میان زن و شوهر، تعاون و همبستگی جایگزین رهبری و اداره می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳/۱)؛ لذا در تعریف خانواده در عصر کنونی همچون گذشته، ذکر ریاست مرد (پدر) به طور مطلق جایگاهی ندارد؛ بلکه آنچه مهم است روابط عاطفی و انس و الفت میان اعضای آن است؛ همانطور که مورد تأکید اسلام نیز می‌باشد؛ آنچنان که اسلام اساساً هدف از تشکیل خانواده را رسیدن به آرامش در پرتو مودت و رحمت میان اعضای آن می‌داند.

- ارتباط اعضای خانواده تنها مبتنی بر مناسبات خونی نیست؛ بلکه برخلاف نظر برخی از فقها و حقوقدانان (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۵)، اعضاء براساس ویژگی همبستگی از طریق رضاع، فرزندخواندگی و همچنین آنچه امروزه براساس تحول تکنولوژی با عنوان فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی یا رحم اجاره‌ای خوانده می‌شود (و برخی از اقسام آن مورد تأیید فقهای متأخر می‌باشد)، باهم دارای ارتباط هستند و می‌توانند یک خانواده را تشکیل می‌دهند.

- اشتراک مکانی اعضای خانواده در تعریف خانواده، اهمیت خود را از دست داده است؛ زیرا در روابط میان اعضای خانواده آنچه مهم است همبستگی و انس و الفت میان آنها می‌باشد و لذا اگر در گذشته اشتراک مکانی، تنها عامل به وجود آورنده

این ویژگی، در جامعه ایران، جمع‌های نامشروعی همچون همجنس‌گرایان یا روابط بدون عقد (که امروزه در عرف جوامع غربی مورد پذیرش است، هرگز خانواده محسوب نمی‌شود.

لازم به ذکر است که هرچند به طور قطع مشروعیت از ویژگی‌های اساسی خانواده در اسلام است و لذا قابل خدشه نیست؛ اما آنچه قابل بحث می‌باشد، چگونگی شکل‌گیری این مشروعیت است؛ چراکه در گذشته به نظر می‌رسید تنها راه مشروعیت بخشی به خانواده، انعقاد عقد نکاح میان زن و مرد از طریق جاری ساختن الفاظ خاص به عربی است؛ درحالی که در عصر کنونی باتوجه به گسترش ارتباطات از طریق وسائل ارتباط جمعی، اگر این راه را، تنها راه مشروعیت بخشی به خانواده بدانیم، تعداد زیادی از افراد، از تعریف خانواده خارج می‌شوند که قطعاً آسیب‌ها و تبعات منفی زیادی (از جمله فرزندان نامشروع) به همراه دارد. در توضیح بیشتر باید گفت، بررسی ادله و آراء فقها نشان می‌دهد که لفظ در انعقاد نکاح و انحلال آن نقش اساسی ایفا می‌کند. مهم‌ترین دلیل ارائه شده بر لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح، اجماع فقها است. تأکید فقهاء بر لزوم لفظی بودن عقد نکاح به خاطر صریح بودن لفظ در اعلام اراده بوده و برای آن طریقتی قائل هستند، نه اینکه لفظ در عقد نکاح موضوعیت داشته باشد و به نظر می‌رسد که اجماع مطرح شده حجت نیست؛ از این رو اگر میرز صریح دیگری نیز غیر از لفظ یافت شود، کفایت می‌کند و دلیلی ندارد که وسیله اعلام اراده منحصرأ در لفظ باشد. بر این اساس می‌توان گفت، انعقاد نکاح و انحلال آن در فضای سایبری با توجه به پیشرفت تکنولوژی، گسترش ابزارهای ارتباطی و انعقاد عقود مختلف از این طریق از مسائل مستحدثه است که فقه پویا نقش مهمی در استنباط احکام آن دارند. در گذشته اشخاص عموماً از طریق الفاظ مبادرت به انعقاد عقد می‌نمودند، ولی در حال

پیوستند (به‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۸۴). درحالی که از منظر تعالیم اسلام و آموزه‌های آن همچون تأکید بر صله رحم، ارتباط خانواده هسته‌ای با خانواده گسترده برای حفظ آرامش و ادامه هرچه بهتر کارکردهای آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲-۴- جمع‌بندی و ارائه تعریف نهایی از خانواده در نظام حقوقی ایران

براساس توضیحات فوق می‌توان گفت، خانواده نهادی متشکل از زن و مرد دارای زوجیت مشروع (لفظی یا کتبی) با یکدیگر و احياناً فرزندان(ان) آن‌ها است که در عصر کنونی مهمترین ویژگی در رابطه آن‌ها همبستگی است؛ بدین معناکه براساس این ویژگی، آنچه در خانواده اهمیت دارد، رابطه عاطفی میان اعضای آن است نه فقط ریاست مرد و رهبری او، همچنین ارتباط اعضای خانواده تنها مبتنی بر مناسبات خونی نیست؛ بلکه اعضاء از طریق رضاع، فرزندخواندگی، فرزندی ناشی از تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای نیز با هم دارای ارتباط هستند، به علاوه برخلاف گذشته، اشتراک مکانی به دلیل گسترش ارتباطات تنها یکی از ابزارهای حداقلی برای ایجاد همبستگی محسوب می‌شود نه همه آن.

نتیجه‌گیری

سند اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز دکترین حقوق هرکدام از منظر خود و باتوجه به یکی از ضابطه‌های قانونی مانند ارث، ریاست و نفقه به تعریف خانواده پرداخته‌اند؛ اما تعاریف هیچ کدام از آن‌ها به دلیل توجه به یک بعد خاص از خانواده و نیز عدم توجه به موجودیت اجتماعی خانواده و عرفی بودن آن جامع نبوده و لذا قابل قبول نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، تعریف صحیح و کاملی از خانواده وجود ندارد، این درحالی است که در رابطه با خانواده وجود یک تعریف جامع و منطبق بر عرف

همبستگی میان اعضای خانواده بوده است؛ امروزه مکان تنها یکی از ابزارهای حداقلی برای ایجاد همبستگی است؛ زیرا در عصر کنونی به دلیل گسترش ارتباطات در سایه توسعه روزافزون انواع فناوری‌ها، از جمله وسایل ارتباط جمعی مدرن، جهان به دهکده‌ای تبدیل شده است که براساس آن می‌توان گفت، غیر از مکان مشترک، ابزارهای دیگری نیز برای همبستگی میان اعضا و تحقق تعریف خانواده وجود دارد. لذا اگر بخواهیم صرف اشتراک مکانی را که براساس آن اعضاء تنها به لحاظ فیزیکی و جسمی در کنار هم باشند، برای تعریف خانواده مورد ملاحظه قرار دهیم، آنگاه علاوه بر اینکه غیر عرفی عمل کردیم و ویژگی‌ای را برای خانواده در نظر گرفته‌ایم که در حال حاضر به تدریج امکان تشکیل آن در حال افول است، برخلاف تعالیم اسلام از جمله «سیروا فی الارض» (عنکبوت/۲۰) و «اطلبوا العلم و لو بالصین» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷؛ مجلسی اصفهانی، ۱۴۱۰: ۱۵/۱۰۵) نیز عمل کرده‌ایم؛ چراکه در این صورت به دلیل عدم اشتراک مکانی باید بگوییم که اعضاء با یکدیگر همبستگی ندارند؛ درحالی که درواقع چنین نیست.

- مراد از خانواده، خانواده هسته‌ای متشکل از زن و شوهر است که با تولد فرزندان(ان) تکمیل می‌شود، نه خانواده گسترده که در عرف گذشته جامعه ایران حاکم بوده است؛ چراکه در عصر کنونی این افراد معمولاً به دور از سایر خویشاوندان زندگی می‌کنند و با یکدیگر همبستگی بیشتری دارند. البته از آیات و روایاتی که به صورت‌های مختلف در ارتباط با رابطه میان زن و شوهر و والدین و فرزندان سخن گفته‌اند، برمی‌آید که مراد اصلی از خانواده در نظر شارع مقدس نیز همان خانواده هسته‌ای است؛ با این تفاوت که در جوامع غربی بر اثر جهانی‌شدن و فزونی گرفتن فاصله نسل‌ها و گسست نسل‌ها خانواده‌ها بیش از حد هسته‌ای شدند و پیوندهای خود را با خانواده پدری و مادری بریدند و به خانواده جهانی

قوانین و نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در حوزه خانواده مورد استناد قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده اول و راهنمایی و نظارت بر آن توسط نویسنده دوم صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که برای نگارش این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

کنونی جامعه ایران، ضروری است؛ زیرا در غیر این صورت وضع قوانین و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نمی‌توانند انتظارات خانواده کُنونی را به درستی برآورده کنند که این امر می‌تواند خانواده را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کند.

به نظر می‌رسد از آنجا که خانواده نهادی عرفی است، بهترین راه برای ارائه تعریفی از خانواده در نظام حقوقی ایران، مراجعه به عرف کُنونی جامعه ایران و توجه توأمان به تعالیم اسلام و نیز تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی شدن و تطبیق آن‌ها با یکدیگر است. زیرا در عصر کُنونی، جامعه ایران علاوه بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی به طور همزمان تحت تأثیر مدرنیسم و جهانی شدن می‌باشد و نمی‌توان هیچ یک را به تنهایی مد نظر قرار داد.

براین اساس در پژوهش حاضر برای رفع خلأ تعریف خانواده در نظام حقوقی ایران سعی شد با مراجعه به عرف جامعه ایران و نیز تطبیق تعالیم اسلام با تحولات عصر حاضر به بازخوانی تعریف خانواده بپردازیم و در این راستا به این تعریف رسیدیم که خانواده نهادی متشکل از زن و مرد دارای زوجیت مشروع (لفظی یا کتبی) با یکدیگر و احياناً فرزندان) آن‌ها است که در عصر کُنونی مهمترین ویژگی در رابطه آن‌ها همبستگی است؛ بدین معنا که براساس این ویژگی، آنچه در خانواده اهمیت دارد، رابطه عاطفی میان اعضای آن است نه فقط ریاست مرد و رهبری او، همچنین ارتباط اعضای خانواده تنها مبتنی بر مناسبات خونی نیست؛ بلکه اعضاء از طریق رضاع، فرزندخواندگی، فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای نیز با هم دارای ارتباط هستند، به علاوه برخلاف گذشته، اشتراک مکانی به دلیل گسترش ارتباطات تنها یکی از ابزارهای حداقلی برای ایجاد همبستگی محسوب می‌شود نه همه آن.

به نظر می‌رسد تعریف فوق الذکر تعریفی جامع از خانواده باتوجه به عصر کُنونی جامعه ایرانی است و می‌تواند در وضع

- منابع و مأخذ**
- قرآن کریم
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). *لسان‌العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابوزهره، محمد (۲۰۱۰). *اصول الفقه*. بیروت: دارالفکرالعربی.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و تحول الگوهای تعاملی خانواده*. کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن (گردآورنده)، خانواده و جهانی‌شدن، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- افضل‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و بهداشت روانی خانواده*. در کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن (گردآورنده)، خانواده و جهانی‌شدن، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. تهران: محراب‌فکر.
- بستان، حسین (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و آسیب‌شناسی خانواده*. در کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن، خانواده و جهانی‌شدن، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۵). *خانواده در قرآن*. قم: مؤسسه بوستان‌کتاب.
- ابن‌ثیر، ابن اثیر (بی‌تا). *النهاية فی غریب‌الحديث و الاثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی ایران*. تهران: نشر علم.
- جلالی، زهرا (۱۳۹۴). *بررسی نکاح و انحلال آن در فضای سایبری*. تهران: دانشگاه امام‌صادق(ع).
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *خانواده متعادل و حقوق آن*. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح تاج‌اللغة و صحاح‌العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). *وسائل‌الشیعة*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- حسنی‌فر، عبدالرسول (۱۳۹۶). «نهاد خانواده در عصر جهانی‌شدن». چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، گرجستان - تفلیس، آکادمی بین‌المللی علوم گرجستان.

- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صفائی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۷). حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حکمت‌نیا، محمود و میرداداشی، سیدمهدی و هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۸). فلسفه حقوق خانواده. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۳). خانواده در اسناد بین‌المللی، حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- حیدرپور، البرز (۱۳۸۵). حقوق خانواده: انعقاد ازدواج دائم، آثار و انحلال آن. اهواز: مه‌زیار.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۱). سیری در مسائل خانواده. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- عاملی، باقر (۱۳۵۰). حقوق خانواده. تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۳). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. تهران: سمت.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۲). بازنمایی الگوهای خانواده، تهران: پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- ساوجی، مریم (۱۳۷۱). اختلاف حقوق زن و مرد در اسلام و خانواده. تهران: انتشارات مجرد.
- عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- سفیری، خدیجه (۱۳۶۶). تحول خانواده در ایران طی سی سال اخیر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قائمی، علی (۱۳۸۶). نظام حیات خانواده در اسلام. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی». زن در فرهنگ و هنر، ۵(۱): ۶۱-۸۲.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). خانواده از رؤیای عشق تا واقعیت قانون. تهران: انتشارات پرتو خورشید.
- قرشی، باقرشریف (۱۳۸۲). نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- صادق‌فسائی، سهیلا و دیگران (۱۳۸۶). فمینیسم و خانواده. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق مدنی خانواده. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- صبوری، حبیب (۱۳۷۵). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- کوئن، بروس (۱۳۷۷). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. تهران: توتیا.
- موسوی‌خمینی، روح اله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- لبیبی، محمدمهدی (۱۳۹۲). «نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران». *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۶۴.
- هاشمی، علیرضا (۱۳۹۱). «تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، شماره ۳۱.
- مجلسی اصفهانی، محمدباقر (۱۴۱۰). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۲). *عناوین ثانوی و حقوق خانواده*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محب‌علی، داوود (۱۳۷۴). «ایجاد تحول در ساختار خانواده». *خانواده و بهره‌وری*.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۲). «تأثیرات جهانی‌شدن بر نظام تعلیم و تربیت و خانواده». *نشریه پیوند*، شماره ۲۹۰.
- معاونت پژوهش، گروه روانشناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۶). *تحولات خانواده در غرب*. معاونت پژوهش گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۹۵). *علم الاصول فی توبه الجدید*. بیروت: دارالمالین.
- مقدادی، محمدمهدی (۱۳۸۵). *ریاست خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.